



خانه پیرنیا به خاطر سبک معماری خاصش بسیار دیدنی است. این سبک معماری را در بعضی خانه های قدیمی کاشان یا یزد هم می بینیم

فرش های ایران را بافتند و فرش نابین را خیلی زود با این ویژگی منحصربه فرد به شهرت فرش شهرهای دیگر رساندند. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ مجدداً عبا بافی راه افتاد و حتی به کشورهای عربی نیز صادر می شد. اما دوباره بای توجهی به سنت ها و گرایش به تجدد، این صنعت خاموش شد. در حال حاضر، تولیدات اندک عبا نابینی کاربردی داخلی و محدود دارد، اما اگر می خواهید کارگاه های تولید عبا را ببینید به سرداب های محله محمدیه بروید.

سوغاتی

در نابین حتماً به دنبال کپچو باشید. یک شیرینی اصیل نابینی که با ترکیب روغن محلی، آرد برنج یا گندم و شیره (انگور-خرما) تهیه می شود. این شیرینی بدون هیچ گونه مواد نگهدارنده در جای خشک تا ۶ ماه می ماند. شیرینی کمی هم دارد و باب ذائقه افراد بسیاری است.

ایرانی های مقیم مرکز

خوبی نابین این است که تقریباً در مرکز ایران قرار گرفته و از هر کجای این مرز و بوم که عزم سفر کنید، دسترسی خوبی دارد. اگر در شهرهای مجاور کوهستان، جنگل یا دریا زندگی می کنید و از شرایط همیشگی خود خسته شده اید، به جایی بروید که هم کویر داشته باشد و هم مردمان مهربان و چه جایی بهتر از نابین هزار نقش؟ به غیر از مکان هایی که اسم بردیم، قلعه باستانی آشورگاه، آسیاب آبی و مسجد سرکوجه محله محمدیه، خانه فاطمی ها، امامزاده حیدر و قدمگاه امام رضا (ع) از دیگر مکان های دیدنی نابین هستند.

گردشگری مسئولانه

سفر به شهرها و روستاهای کوچک که فرهنگ و تاریخی قدیمی دارند، آدابی دارد که گردشگرها باید رعایت کنند. این «باید» یک پیشنهاد نیست! یک توصیه است. یعنی رعایت آن هم به نفع گردشگر است و هم به نفع مردم بومی. مهم ترین اصل، رعایت فرهنگ میزبان است. احترام به عقاید مذهبی، عرفی و تاریخی این مردم چیزی است که نباید فراموش کنید. نکته مهم دیگر، تقویت اقتصاد محلی است. بهتر است از غذاهای محلی و محصولات بومی هر منطقه استفاده کنید و به جای خرید سوغات از فروشگاه های زنجیره ای، از کارگاه ها و تولیدی های محلی خرید کنید.

حواستان به محیط زیست هم باشد. زباله غیرقابل تجزیه تولید نکنید، زباله های خود را در صورت امکان با خود ببرید. ترجیحاً از امکانات محلی برای رفت و آمد استفاده کنید و البته حواستان به حیوانات اهلی و وحشی هم باشد.



خانه پیرنیا

مخروط با ارتفاع زیاد از بیرون و عمق ۱۰ متری در داخل. در زمستان آب در این گودال ۱۰ متری جمع شده و یخ می بست. بعد مردم روی یخ کاه می گذاشتند. فصل گرما که شروع می شد شکل سازه، گل و کاه اندود و خشت خام مصرفی در آن و همچنین کاه ها مانع نفوذ گرما در این مخروط می شد. هنوز بعضی از این بخچال ها در شهر نابین باقی مانده اند و مرمت هم شده اند.

تار و پودهای نابینی

شاید کمتر ایرانی باشد که از شهرت فرش نابین بی خبر باشد. در بازار جهانی هم خوشنام و معروف است. اما جالب است بدانید صنعت فرش بافی نابین در مقایسه با اصفهان و کاشان قدمت زیادی ندارد. این صنعت نوباً فقط صد سالش است. هنر اصلی و نامدار نابین، صنعت عبا بافی بود. مردم نابین به بافتن عبا های ظریف از پشم شتر یا کرک بز معروف بودند. این عبا ها ساده و بدون نقش و نگار خاصی در رنگ های زرد و سرخ و خرمایی و مشکی تهیه می شدند.

روزگاری در همه خانه های نابین، دار عبا بافی بر پا بود اما الان جز چند استادکار کهنسال کسی نمانده که بعضی از آنها هم قادر به کار کردن نیستند. یکی از اصلی ترین دلایل از رونق افتادن این صنعت به قانون پوشش رضاخانی برمی گردد. بین سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ که پوشیدن لباس سنتی و محلی ممنوع شد، تولید عبا نابینی هم کم شد. برای همین مردم بیگار شده به سمت بافت قالی رفتند. از آنجا که به ظریف بافی برای عبا عادت کرده بودند، یکی از ظریف ترین



که تا مدتی پیش تقریباً مخروبه بود اما چند سالی است به آن رسیدگی شده و آثار خرابی و یادگاری های رهگذران و گردشگران رافع کرده اند. اگر گذرتان به آنجا افتاد از معماری و خنکایش لذت ببرید اما برای خرید باید به بازارهای امروزی شهر بروید!

خواهرخوانده برج پیزا

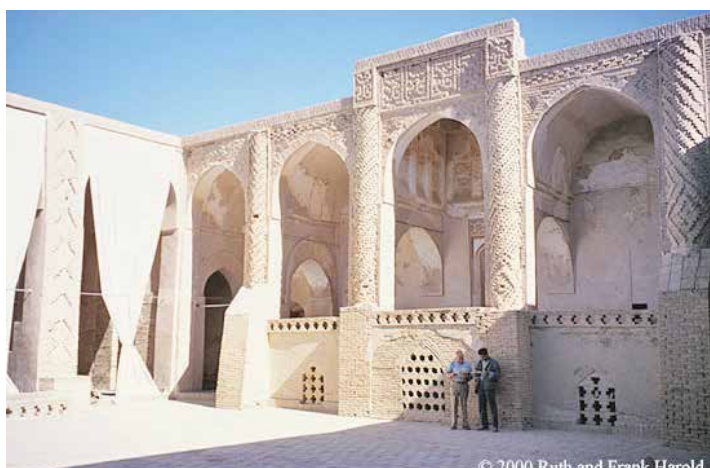
سهراب می گوید: «مردمان سررود، آب را می فهمند»، اما از آنها بیشتر، مردمان کویر هستند که قدر آب را می دانند. بازحمت فراوان قنات حفری می کردند تا به سفره های آب زیرزمینی برسند و این آب را در آب انبارها ذخیره می کردند. هم قنات و هم آب انبار از دیگر مظاهر نبوغ انسان ایرانی ساکن کویر است که خواسته با مقهور کردن طبیعت، بردهان این گرما و خشکی سرکش لجام بزند. وقتی در حال پیاده روی در محله های قدیمی شهر هستید، به ناگهان با غول هایی گنبدی شکل روبه رو می شوید. این گنبد ها و بادگیرها کنارشان همان آب انبارها هستند. آب انبار ابوالحسن قدیمی ترین آب انبار محله چهل دختران است. اما آب انبار فیض در محله پنجاهه یک تفاوت جالب با بقیه هم سازه هایش دارد و آن اینکه برج بادگیرش کمی کج است. درست مثل برج پیزا ایتالیا و چه مکان خوبی برای عکاسی در حال هل دادن برج است.

یخچال داشتیم وقتی مدنی بود

عطش تابستان کویر فقط با یک لیوان دوغ یا شربت سرکه انگبین تگری رفع می شود. چند صد سال پیش یخ کجا بود؟ ذهن خلاقه ایرانی اینجا هم بیگار نبوده؛ در مسیر آب سازه هایی را ساخته بودند به شکل



برد و بازار تاریخی نابین در همین دوره ساخته شد. یکی از ورودی های شهر از همین بازار بود که اکنون در محله چهل دختران واقع شده است. پس از ایلخانی ها تا اوایل قرن دهم، به خاطر دست به دست شدن نقاط مختلف ایران بین حکومت ها و طوایف گوناگون، جنگ، قحطی و ناامنی گریبان کشور را گرفت. طبیعتاً نابین نیز از این درگیری مستثنی نبود تا دوره صفوی که دوباره دوران آرامش و رونق شهر شروع شد. در این دوره بسیاری از بناها بازسازی و بناهایی جدید ساخته شد. بازار تاریخی هم محلی برای عرضه این رونق بود. البته الان سال هاست که این بازار فقط به صورت یک مجموعه تاریخی ساکت و بیگار در گوشه ای از شهر برای خود نشسته است. برخلاف بازارهای تاریخی تهران، اصفهان، تبریز و کاشان که هنوز قلب نپنده شهر هستند و بوی زندگی می دهند، دره های قدیمی این بازار سال هاست بسته مانده اند. به طوری



© 2000. Ruth and Frank Harold

سهراب می گوید: «مردمان سررود، آب را می فهمند»، اما از آنها بیشتر، مردمان کویر هستند که قدر آب را می دانند